

اشاره با گوشه‌ی چشم

تلمیح در غزل‌های حافظ

محمّد نور ملکی

راندن‌اندیش - ۱۳۹۵

چاپ اول

ملکی منصور، ۱۳۲۱-۱۳۹۴.

اشاره با گوشه‌ی چشم: تلمیح در غزل‌های حافظ/ منصور ملکی.

تهران: رادنوا اندیش، ۱۳۹۵.

۳۱۲ ص.

یک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۲-۳۰۸

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۵۲۸۹۸

اشاره با گوشه‌ی چشم

تلمیح در غزل‌های حافظ

منصور ملکی

ناشر: رادنوا اندیش

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۲-۳۰۸

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر است.

۵۴۲۱ - رشتینا اهنال

انتشارات رادنوا اندیش

(وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری رادنوا اندیش)



نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان کاووسی‌فر، کوچه باربد، پلاک ۳۰، واحد ۳

www.radnoandish.com

تلفن: ۸-۸۸۵۲۸۱۴۷

«شاره با گوشه‌ی چشم»، آخرین کتاب منصور ملکی، روزنامه‌نگار، شاعر و دبیر ادبیات است که در زمان حیات او فرصت انتشار نیافت. او همان‌طور که در گفتار اشاره می‌کند، همواره دغدغه‌ی معلمی داشت. دلبستگی او به شعر فارسی، به ریورد شعر حافظ از سویی و تعلیم و آموزش از سوی دیگر سبب شده بود، او به جز کلاس‌های مدرسه، کلاس‌هایی در خوانش و تفسیر شعر حافظ نیز در منزل خود برگزار کند. کتاب «اشاره با گوشه‌ی چشم» را با شور و اشتیاق فراهم ساخت. اولین نسخه‌ی آن در سال ۱۳۹۲ آماده شد اما انتشار آن تا بهار ۹۴ به طول انجامید. انتشارات رادنوندیش که پیشتر دو کتاب دیگر را نیز از او منتشر کرده بود، اولین نسخه‌ی صف‌آرایی شده را برای بازخوانی به او داد. دیگر اما دیر بود. بیماری و ناتوانی به او امکان نداد تا کتاب را به سرانجام رساند.

حالا به همت انتشارات رادنوندیش این کتاب همزمان با سالروز تولد و درگذشت او (که چندان فاصله‌ای با هم ندارند) و در یادبود او منتشر می‌شود. مرتضی رستگار پناه، دوست از نوجوانی تا همدی عرصه‌ی خود تحصیل‌کرده‌ی ادبیات، علوم سیاسی و فلسفه است، محمود و سیووش بالبان که در زمینه‌ی ادبیات و سینما فعالیت می‌کنند، و عباس بوبه‌رژ که شاعر است با ما کمک کردند تا بازخوانی نهایی کتاب را انجام دهیم و این بار بر زمین نهاده را به منزل برسانیم.

مریم زندی با مهربانی همیشگی‌شان به ما اجازه دادند عکس ایشان را به آخرین عکس‌های منصور ملکی است، در کتاب چاپ کنیم. از محمودرضا بهمن پور و خانم‌ها گلریز گرگانی و روشنگ مافی که در زمینه‌ی طراحی جلد ما را یاری کردند، متشکریم. از همراهی آنان، مهندس بردیا صدرنوری و خانم‌ها مریم فراهانی و زهره آبگون در انتشارات رادنوندیش صمیمانه سپاسگزاریم.

پری، توکا، بامداد، مرضیه ملکی

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۵	چند نظر
۲۱	آشنایی با آرایه‌ی تلمیح
۲۳	آرایه‌ی تلمیح
۲۴	تلمیح در ادبیات فارسی
۲۷	حرق اقتباس و تلمیح
۲۸	فرق آرایه‌ی تلمیح
۲۹	تلمیح و غزل‌های حافظ
۳۱	آشنایی و معرفی
۳۳	آشنایی با قصه‌های مذهبی و ملی در غزل‌های حافظ
۱۳۶	آشنایی با شخص‌ها، اشیاء و مکان‌ها در غزل‌های حافظ
۲۲۸	تلمیح‌های قرآنی، روایت‌ها و حدیث‌ها در غزل‌های حافظ
۲۵۴	اصطلاح‌های ستاره‌شناسی در غزل‌های حافظ
۲۶۲	اصطلاح‌های موسیقی در غزل‌های حافظ
۲۶۹	ضمیمه‌ها
۲۷۱	شرح و تفسیر اولین غزل دیوان حافظ
۲۸۶	واج‌آرایی در غزل‌های حافظ
۳۰۰	متن‌های دیوان حافظ
۳۰۱	سالشمار عصر حافظ
۳۰۵	راهنما: مصرع اول غزل‌های ذکر شده برای مناسبت‌ها
۳۰۷	نمایه

پیشگفتار

من معلم و پژوهشگر ده‌های این سال‌ها، از این که بسیاری از شاگردانم با اسطوره‌های مذهب ملی آشنا نبودند، گلایه‌مند بودم. همیشه گفته‌ام ای کاش در میان کتاب‌های درسی کتابی می‌بود که در آن شاگردان با اسطوره‌های مذهبی و ملی‌شان آشنایی پیدا کنند. مثلاً در زمینه‌ی آشنایی با اسطوره‌های مذهبی در سطح دبستان و رستمایی چه خوب بود اگر از «قصه‌های قرآن» (از مجموعه‌ی قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب) نوشته‌ی زنده‌یاد مهدی آذریزدی و در سطح دبیرستان از بخش‌هایی از «تفسیر قرآن کریم» اثر ابوبکر عتیق سورآبادی استفاده می‌شد، و چه بهتر می‌بود که سازمان کتاب‌های درسی اقدام به تألیف کتابی می‌کرد که علاوه بر قصه‌های مذهبی، قصه‌هایی هم از شاهنامه‌ی فردوسی و کتاب‌های دیگر در آن بود تا شاگردان با اسطوره‌های ملی هم آشنا می‌شدند.

این کتاب در حقیقت تلاشی است برای برآوردن آروری «ای کاش» های سال‌های معلمی، و «حافظ» در این میان بهانه است، و می‌بینید که وضع هم، باز تدریس یکی از اصطلاح‌های «آرایه‌های ادبی» است.

من در غزل‌های حافظ ابتدا به سراغ شخصیت‌های قصه‌واره‌های مذهبی و ملی و آنچه در حیطه‌ی اسطوره است رفتم که معرفی‌شان قصد اولیه‌ی این کتاب بود و بعد در حین کار فکر کردم از آن جا که کتاب به عنوان یک کتاب درسی در نظر گرفته شده و خواننده‌ی آن نسل نوجوان و جوان است، بهتر است شخص‌ها، جای‌ها، قبیله‌ها، کتاب‌ها، برخی از پرندگان و ... (به طور کلی اسم‌های خاص) معرفی شوند تا خواننده از مراجعه به منابع‌های دیگر بی‌نیاز

باشد. به همین منظور این بحث آشنایی و معرفی خود به دو بخش تقسیم شد، نخست بخش اسطوره‌های مذهبی و ملی و بعد اشخاص و جای‌ها و ... که واقعی‌اند.

به تلمیح‌های قرآنی و حدیث‌ها و روایت‌ها در غزل‌های حافظ در بخش جداگانه‌ای پرداخته شد، در این باره آن چه جمع‌آوری شده است، در حد و اندازه‌ای است تا خواننده‌ی نوجوان و جوان این کتاب با این گونه تلمیح نیز آشنا شود.

مطمئن نیستم که چیزی را جا نینداخته‌ام (که بی‌شک جا افتاده است)، به خصوص که به مشکلاتی هم در گفته‌ها و تفسیرهای مصححان و مفسران برخوردیم. به عنوان مثال در دیوان خواجه حافظ شیرازی سید ابوالقاسم انجوی شیرازی در پانویس غزل «سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی...» درباره‌ی «جوی مولیان» می‌نویسد: «... بی جوی مولیان نام محله‌ای در بیرون شهر بخارا بوده است» و یا از دست «وران نوجوانی تا پیرسالی‌ام، محسن صبا که سال‌هاست یادداشت‌های ارزشمند درباره‌ی حافظ نوشته و جمع‌آوری کرده است، تلفنی از راه دور شنیدم که غزل «سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی» (عشق تو نهال حیرت آمد/ وصل تو کمال حیرت آمد) با استناد به بیت پنجم (از هر طرفی که گوش کردم/ آواز سؤال حیرت آمد) می‌تواند برای یک آدم عادی و معمولی باشد به نام «حیرت» و چرا که نه؟ «حفظاً» هم مثل همه با آدم‌های عادی و معمولی در رفت و آمد بوده، پس این آدم‌ها معمولی، آدم‌های خاصی می‌شوند و می‌بایست به جست‌وجوی هویتشان رفت که کاری است محال (خانلری درباره‌ی این غزل نوشته است: «معنی این غزل را درست نفهمیدم اما چون در ۹ نسخه‌ی اساس کار، ثبت شده است آن را در متن آوردم»).

مشکل‌ترین قسمت کار پاسخ به طرح این پرسش بود: می‌دانیم حافظ شاعر «ابهام» و «ابهام» و «کنایه» است. این همه شرح و تعریف و تفسیر که تا امروز بر غزل‌های او نوشته‌اند، بازکردن پیچیدگی اشاره‌های او در ابهام و کنایه‌هاست؛ پرسش این است که آیا به این موارد هم باید اشاره کرد؟ در مواردی، من آن‌ها را به عنوان زیرمجموعه آورده‌ام. مثلاً «پدر» در بیت: «پدرم روضه‌ی جنت به دو گندم بفروخت/ من چرا باغ جهان را به جوی نفروشم» در زیر مجموعه‌ی «آدم» آمده است و «یار» در بیت: «گفت آن یار کزو گشت سر

دار بلند/ جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد» در زیر مجموعه‌ی «حسین منصور حلاج».

باری خواستم که این کتاب، مثل کتاب درسی باشد برای نوجوانان و جوانانی که حافظ می‌خوانند، و از این رو چند یادداشت هم به دنبال موضوع اصلی آورده‌ام، با همان حال و هوا و سبک و سیاق موضوع‌های درسی. ذکر چند نکته هم لازم است:

۱- همای بیت‌هایی که در این کتاب آورده شده، از متن چاپی دکتر پرویز ناتل خانلری (انتشارات خوارزمی، چاپ دوم: تهران ۱۳۶۲) است که باوجود نقایص، مناسب است. مورد اطمینان، تا روزی که متنی بهتر از آن منتشر شود که بعید است بشود.

۲- اگر قرار بود اصلاح‌های موسیقی و ستاره‌شناسی هم جزو تلمیح به حساب آیند (که می‌آیند) کار به آنجا می‌کشید. درباره‌ی اصطلاح‌های موسیقی زنده‌یاد حسینعلی ملاح در کتاب «ارزشمند «حافظ و موسیقی» در تحقیق مدققانه‌ای این بحث را به ثبت رسانده است و دوباره‌کاری من با بضاعت اندک پای ملخ به بارگاه سلیمان بردن است، اما از آن سبب که امکان دارد خواننده‌ی این کتاب به آن کتاب دسترسی نداشته باشد، این مورد به صورت فرهنگ لغت در یادداشتی آورده شد، و هم این گونه هم، اصطلاح‌های ستاره‌شناسی.

۳- می‌خواستم فهرستی از منابع و مأخذها در آخر کتاب بیاورم. حقیقت آن که من همه‌ی متن‌های چاپی همه‌ی مصححان را دیده‌ام و به همه‌ی کتاب‌ها و نوشته‌هایی که همه‌ی بزرگان فرهنگ این دیار درباره‌ی «حافظ» نوشته‌اند سرک کشیده و از همه‌ی آن‌ها بهره گرفته‌ام. بهتر بود می‌نویشم «منه که کش...» یا «گردآورنده...»؛ و جز این‌ها از بسیاری کتاب‌های دیگر از جمله: فردی‌گناه‌ها، فرهنگ‌های لغت و... و... و....

۴- در نوشتن مصرع‌ها و بیت‌ها از علائم سجاوندی و نیز زیر، زیرِ پیش (کسره، فتحه و ضمه) تا آن‌جا که امکان بود - به عمد - پرهیز شد، تا خواننده‌ی جوان با دوباره‌خوانی و تلاش، درست خواندن شعر را فراگیرد.

۵- شرح‌ها را به ترتیب حروف الفبای فارسی آورده‌ام که دسترسی بدان‌ها به سهولت میسر باشد، در ابتدا آن بیت را با ذکر مشخصات از همان متن چاپی مورد نظر (خانلری) می‌خوانید و چنان‌چه کلمه یا ترکیب و عبارتی به مورد بیان شده ارتباط داشته باشد در زیرمجموعه‌ی همان مورد می‌آید. در شرح و

تعریف‌ها تفاوت «نوشتاری» می‌بینید، چرا که خواستم آن‌چه جنبه‌ی اسطوره‌ای دارد، اصل نوشته‌ی برگرفته از مأخذ باشد، نثری متفاوت و جدا از نثر امروز و محاوره‌ای، به قصد (باز هم) آشنایی خواننده‌ی نوجوان و جوان با نثرهای فاخر.

از ناشر محترم که در این روزگار سرمایه‌اش را به خطر می‌اندازد تشکر می‌کنم و نیز تشکر از محسن صبا، یاسمن کاظمی و محیا فرمانی.

منصور ملک‌ی

بهار ۱۳۹۴